



The Criticism of Child Murdering by his Father in Iranian Law

Alireza Paknezhad *

Lecturer at Payame Noor University, Master's
Degree in Private Law, Meshkin Shahr, Ardabil,
Iran.

Abstract

The statistics proves that 75 cases of filicide have been recorded in 2020 A.D. in Iran (Fars Media Corporation, 1400). It deems necessary to consider this issue due to its ever-increasing growth. To retrospect articles 301 and 306 of Islamic law of punishment ratified in 2013 A.D., which deal with non-punishment of a father in case of murdering his child, is not deterrent according to the present conditions in the society; since it has not been effective in decreasing the rate of filicide. To settle this dilemma, what fast and inexpensive policies should be adopted? This study aims to answer the following questions using descriptive and analytical methods. The collected data in other researchers' studies demonstrates that cultural and educational activities are among the best strategies to solve the present issue; however, it has not been considered much. In line with this, the following actions have been taken: media mobilization, preparing formations for peaceful protests in the society to amend the law, emphasizing the support of children in the lectures, courses and allocating university courses to it, training individuals to help decrease the number of cases by using related films and animations. This strategy has been included in the passive defense model. Secondly, jurists' and lawyers' expertly meetings, amending the present law and stipulating new laws could be effective due to the overlap with the recent law, the population rejuvenating plan.

Keywords: law amendment, passive defense, cultural activities, filicide, islamic law of punishment, non-punishment

Received: 10/November/2021

Accepted: 17/January/2022

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

نقد مجازات قتل فرزند توسط پدر در قانون ایران

مدرس دانشگاه پیام نور، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مشکین شهر، اردبیل،
ایران.

علیرضا پاک‌نژاد*

چکیده

آمار فرزندکشی در ایران با ثبت رسمی در سال ۱۳۹۹، ۷۵ نفر بود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰). نگرانی از رشد روزافزون این حوادث، ضرورت تفکر اساسی را می‌طلبد. بازنگری در مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که عدم قصاص پدر در قتل فرزند را به عنوان مجازات این جرم در نظر گرفته است، با شرایط موجود جامعه بازدارنده نیست چرا که این عدم تناسب نتوانسته در کاهش نرخ فرزندکشی مؤثر باشد. با شرایط فعلی، چه تدابیر و راهکارهای کم‌هزینه و سریعی می‌تواند برای رفع این معضل مؤثر واقع شود؟ هدف این مقاله، بیان پاسخ‌ها به این پرسش در قالب روش توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های حاصل از بررسی مقالات پژوهشگران در این زمینه بیان می‌دارد کارهای فرهنگی و آموزشی، پاسخ نخست برای معضل فرزندکشی بوده که به آن کمتر پرداخته شده است. البته لازم است اقدامات دیگری نیز همچون بسیج رسانه، تدارک تشکلهایی با هدف اعتراضات مسالمت آمیز در جامعه برای این امر از بابت اصلاح قانون، محوری حمایت از کودک در مجالس وعظ و کلاس‌ها و تخصیص دروس دانشگاهی و تربیت مربی ویژه در آسیب‌شناسی فرزندکشی با کمک از فیلم‌ها و پویانمایی و غیره مدنظر قرار گیرد. این راهکار در الگوی پدافند غیرعامل گنجانده شده است. در درجه دوم، نشست‌های کارشناسانه فقها و حقوق‌دانان می‌تواند عامل مؤثری از بابت همسویی با قانون اخیر طرح جوانی جمعیت، اصلاح یا وضع قانون جدید باشد.

کلیدواژه‌ها: ترمیم قانون، پدافند غیرعامل، کار فرهنگی، فرزندکشی، قانون مجازات اسلامی، عدم قصاص

مقدمه

رسم نحس فرزندکشی از شاهنامه تا نادرشاه نه تنها در تاریخ ایران بلکه در زمان باستان و در بعثت حضرت ختمی مرتبت برای دختران کابوسی بود که حضرت محمد (ص) یکی از اهداف خود در آن دوران جاهلیت را نسخ این رسم پلید غیرانسانی دانست. در ایران نیز نگرانی افکار عمومی و اشخاص دلسوز و سازمان‌های فعال در حقوق بشر داخل و خارج با در نظر گرفتن رشد جمعیت و مقایسه کاهش جمعیت در سال‌های اخیر بر اثر بیماری‌ها، حوادث طبیعی و نامرتبه و همچنین، قتل فرزند، تصمیم‌گیران را به واکنش و حساسیت از بابت تنظیم برنامه‌هایی با هدف فرزندآوری و راه‌های کاهش جمعیت از جمله قتل کودک واداشت. نمونه اخیر این اقدامات، تدوین قانون طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مصوب مهر ۱۴۰۰ در مجلس محترم شورای اسلامی بود.

با توجه به اینکه پدیده فرزندکشی و خفت مجازات تعبیه شده نسبت به آن در قوانین کیفری کشورمان جزء یکی از موارد کاهنده جمعیت و به نوعی مخالف سیاست مترقی فرزندآوری بوده، شایسته است نهادهای مؤثر دولتی در چهارچوب این قانون خاص و پیشرو حرکت نمایند و هم‌سو با افکار عمومی، فضای مجازی و رسانه و همچنین، فعالان عرصه حقوق بشر در داخل و خارج، جدیت خود را در رفع معضل فرزندکشی به کار گیرند. متأسفانه در سال‌های اخیر در ایران به دلایل مشکلات عدیده اقتصادی و سیاسی، استرس و بیماری‌های روانی و غیره، آمار فرزندکشی در خانواده‌های جوامع کوچک سنتی نسبت به شهرهای بزرگ، بیشتر محسوس بوده است. بنا به نقل قول مراکز پلیس سال ۱۳۹۴، آمار فرزندکشی در ایران ۲۱ نفر بود (قنبرپور، ۱۴۰۰: ۱). یک قاضی کیفری در بابل، آمار فرزندکشی را ۷۵ نفر در انتهای سال ۱۳۹۹ اعلام نمود. در آمریکای ۳۵۰ میلیون نفری، آمار ۴۵۰ نفر قتل فرزند ثبت شده است. البته این موارد مربوط به آمار رسمی و قانونی قتل‌های ثبت شده است. آمار قتل‌هایی که هرگز منشأ آن مشخص نمی‌شود، گذشته از دلایل روانی و جنسی والدین و ترس ناشی از به خطر افتادن موقعیت پدر از بابت افشای این راز مثلاً تجاوز، سوءاستفاده جنسی یا وادار نمودن کودک به کارهای خلاف و غیره، هرگز اعلام نمی‌شود.

۱- بیان مسئله

عوامل مؤثر در قتل فرزند توسط پدر که از سوی صاحب‌نظران درجه‌بندی شده است:

۱- اختلالات روانی و اعتیاد، ۲- فقر و مشکلات اقتصادی، ۳- تفکر سنتی پدران در خانواده. به‌طور مثال، بارداری ناخواسته دختر و رابطه او با پسران و بالعکس، ازدواج پسر با دختری که خواسته والدین و مشورت شده با آن‌ها نیست و یا ارتباطات خانوادگی افراطی نظیر چشم‌وهم‌چشمی، رقابت، به رخ کشیدن و غیره، ۴- کم‌کاری و عدم احساس مسئولیت دیگر نهادها به‌منظور کاهش فشار بر قوه مجریه در زمینه عدم آموزش لازم برای کودکان در مدارس از بابت برخوردهای دفاعی لازم با حالات و اختلالات والدین در خانواده و آمادگی کودکان جهت مواجهه و واکنش مناسب در مورد این روابط و نیز عدم تخصیص کتب آگاهی‌بخش برای کودکان و تدارک مربیان متخصص در مشکلات اجتماعی (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۸).

قوه قضاییه: سختگیری بر پدرانی که خود را در قتل فرزند محق می‌دانند (قاضی، مشاور و مجری).

قوه مقننه: تدارک و جایگزینی قانون ضعیف با یک قانون قوی و حامی کودک و بازدارنده به‌نحوی که آسیب‌های قتل توسط پدر به حداقل برسد. این مقاله ضمن بیان خلاص قوانین ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی فعلی و با تأکید بر حمایت از اطفال، عوامل مغفول‌مانده در این قتل‌ها را به کمک الگوی پدافند غیرعامل، بررسی و تشکیل پرونده شخصیتی افراد را یکی از اهداف کاهش این جرم می‌داند.

۲- روش تحقیق

روش توصیفی و تحلیلی این پژوهش با در نظر گرفتن افکار صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و روانشناسی و علوم دینی در کنار حقوق‌دانان ارزنده، موردنظر پژوهشگر مقاله بوده است.

۳- پیشینه بحث

گزیده‌ای از آثار درج‌شده در مجلات معتبر علمی و نشریات و وب‌سایت‌های دیگر در زمینه قتل فرزند توسط پدر در این مقاله بررسی شده است. لذا جهت اجتناب از موازی‌کاری سعی شد پژوهش‌های قبلی تا آنجا که هم‌سو با اهداف این مقاله باشد، مورد استناد قرار گیرد و نقایص و خلأ پژوهش‌های قبلی که بیشتر در زمینه عدم پردازش به جنبه‌های حمایتی کودکان از سوی نهادهای غیردولتی و دولتی بوده، با پردازش، ترمیم و اصلاح قوانین موجود در این مقاله مورد بحث و توجه قرار گرفته و راهکاری معقول و کم‌هزینه برای قانون‌گذار، ناظر و مجری جهت حل این مشکل مطرح گردد. فرهنگ‌سازی و رشد دانش عمومی به‌منظور مقابله با این قبیل بحران‌ها و معضلات در نوآوری الگوی پدافند غیرعامل به‌طور مشروح در مقاله گنجانده شده است. این شیوه به‌نوعی جهت‌گیری جدید و نوینی در راستای تحقیقات دیگر محققان در مقوله فرزندکشی است. این ایده، رویکرد ایجابی آموزشی و فرهنگی دارد، نه سلبی که در صلاحیت نهادهای دولتی است. با این وجود، چند طرح در موضوع پدافند غیرعامل در زمینه مشاوره به نهادهای قضایی و اجرایی تدارک دیده شده که در جای خود بدان‌ها اشاره می‌شود.

۴- فرضیات تحقیق

در تبیین فرزندکشی نیز مؤلفه‌های اساسی و فرعی ایفای نقش دارند.

۴-۱- متغیرهای اصلی در قتل فرزند

سواد و بازدارندگی آن در قتل، بی‌شک مؤثر است ولی سؤال مهم این است که قتل توسط پدران باسواد را با چه منطقی می‌توان توجیه نمود؟ قدرت تمیز خوب یا بد در کنار آموزش درست، اثرگذاری عمیقی در کمال و پختگی انسان‌ها دارد و به یاری این سرمایه علمی، کنترل هیجانات به‌راحتی متصور خواهد شد؛ چه بسا بی‌سوادان شکل گرفته در محیط‌های اخلاقی، بسیار پخته‌تر از افراد باسواد به کنترل هیجانات درونی خود اقدام کنند. نمونه این امر را در شکل‌گیری شوراهای حل اختلاف با برخورد ریش‌سفیدان در حل و فصل اختلاف و داوری‌ها شاهد هستیم. بی‌شک بهره‌گیری مناسب از سواد و داشتن تجربه در مخاطرات اجتماعی در پختگی پدران به هنگام بروز خشونت و کنترل آن در پشیمانی از انجام اموری چون فرزندکشی، مناسب خواهد بود.

از دیگر عوامل مؤثر در قتل فرزند، شیوع اختلالات روانی در بین پدران است. اهتمام در شناسایی و کشف این افراد مبتلا به بیماری‌های افسردگی و شیزوفرنی حائز اهمیت است (ثمری، ۱۳۹۷: ۳۹۷). شاید این اشخاص در جریان این بیماری روحی خطرناک خود قرار نگیرند. در این وضعیت، مسئولیتی بر عهده خانواده و بستگان و همراهان این قبیل پدران است تا جهت درمان و حفظ امنیت خانواده و جامعه احساس تکلیف کنند. این قبیل بیماران باید هرچه سریع‌تر در مراکز درمانی لازم تحت مداوای روان‌پزشک قرار گیرند.

امید بر این است که با یک برنامه‌ریزی هوشمندانه و هم‌راستا با اهداف مرفقی علم جمعیت‌شناسی در جامعه، پتانسیل انسان ماهر و نخبه و تأثیرگذار مورد توجه و تشویق قرار گرفته و از دید تصمیم‌گیران دور نماند.

۲-۴- متغیرهای فرعی

تربیت ناصحیح از سوی والدین، عامل فرعی و درجه دوم در قتل اطفال به شمار می‌آید. حسب گفته صاحب‌نظران، متأسفانه نقش خانواده‌های ایرانی امروزه در تربیت فرزندان ۳۰٪ است (قوی قلب، ۱۴۰۰: ۲)، متخصصان علوم رفتاری، افزایش فاصله فکری موجود بین والدین سنتی و کودکان را یکی از عوامل نهفته و قابل تأمل در خشونت‌های خانوادگی ارزیابی می‌کنند. این وابستگی فرزندان به والدین در نوع اشتغال و مکان زیست، پیوندهای نسبی و سببی خانواده‌ها بیانگر عمق این فاصله و بروز ناهنجاری‌های موجود است. پدری که در روستا به کار دامداری و یا زراعت می‌پردازد و در انتظار کمک فرزندان به رونق کار و مشارکت در تأمین معیشت خانواده است، با شروع تحصیل فرزند در شهر با نوعی کم‌اطلاعی از آداب و رسوم شهری مواجه می‌شود که شاید سبب انزوای کودک و استهزاء او در این محیط جدید گردد زیرا با محیط روستا و امکانات خانواده او همخوانی ندارد یا در اولویت نیست. صاحب‌نظران، نگرش این دسته از کودکان در این محیط‌ها و بضاعت خانواده در عدم تأمین این خواسته‌ها را یکی از عوامل فشار بر پدر و تداوم آن از سوی فرزند را عامل تحریک حس قتل در پدر معرفی می‌کنند. در متغیر اصلی به بیان نقش سواد و اجتماعی بودن افراد در این وقایع به تفصیل پرداخته می‌شود.

عامل دیگر مؤثر در قتل ناشی از اهمال در تربیت کودک به خاطر عواملی چون محبت افراطی یا تفریطی والدین است. ایجاد سطح توقع بیش‌ازحد که متأسفانه والدین نسبت به آن سر تعظیم فرو آورده و به قولی تسلیم کودک شده‌اند، در تکرار این روند سبب فشار بر پدر شده و گاه واکنش قتل کودک را در پی دارد. مشابه این قبیل حرکات در پرونده قتل‌ها اعلام شده است. در هر دو نمونه، برخورد کودک عامل تهییج و سرمنشأ این قتل معرفی شده درحالی که عکس آن یعنی عامل پدر نیز می‌تواند مؤثر باشد. رفتار فرزند بی‌ادب در خانواده در مقابل پدر می‌تواند مصداق داشته باشد. گاه پدر فقیر در مقایسه با همکاران اقدام به سلب مسئولیت از خود نموده که درنهایت سبب قتل می‌شود.

۵- فرزندکشی

سلب ظالمانه حیات فرزند به وسیله والدین بالغ و عاقل

۱-۵- موضوع فرزندکشی در اسلام

اسلام به عنوان جامع‌ترین آیین الهی، قتل و جنایت عمدی را سزاوار قصاص دانسته است؛ یعنی نفس در برابر نفس. هرچند در تفکر امروزی حقوق بشر، بحث قصاص سببانه و غیرانسانی تلقی شده اما در واقعیت تعالی فرهنگی اگر به‌درستی از سوی برنامه‌ریزان کشور و مردم هدایت شود، مجازات سنگسار متروک خواهد شد. همت در فراهم‌سازی این بستر با تدوین قانون جدید به سرانجام نخواهد رسید (احمدی، ۱۳۹۹: ۲) بلکه یک برنامه منسجم جهت حذف قصاص زمانی مؤثر می‌شود که کرامات اخلاقی مدنظر قرآن و احکام اسلام در حد اعلای خود در بین همه اقشار جامعه تبلور یابد تا نهادهای مسئول خودبه‌خود از کاهش این آسیب‌ها احساس آرامش نموده و این هدف سبب کمرنگ شدن قصاص و افت مجازات در جامعه گردد. در شروع بحث پیامبر، این نوع آسیب‌ها از جمله دخترکشی با شکل‌گیری رشد معنوی موجبات آرامش در جامعه مسلمانان گردید.

۱-۵-۱- قرآن

ترجمه آیاتی که مستقیماً فرزندکشی و عمل قتل را نهی کرده‌اند؛ آیه ۳۱ اسراء: «هرگز فرزندان را از ترس فقر به قتل نرسانید که ما رازق آن‌ها و شما هستیم»؛ آیه ۳۳ اسراء: «کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده، جز به حق نکشید و هرکس مظلوم کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل قرار داده‌ایم».

آیه ۳۲ مائده: «هر فردی انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است». آیات ۸ تا ۹ تکویر: «و هنگامی که از دختران زنده‌به‌گور شده باز پرسند آن بی‌گناهان به چه جرم و گناهی کشته شدند». آیات ۵۸-۹ نحل: «و چون یکی از آن‌ها به فرزند دختری مژده آید، آیا آن دختر را با ذلت نگه دارد یا زنده‌به‌گور کند؟» در کنار این آیاتی که نهی مستقیم فرزندکشی می‌نمود، آیات و روایاتی وجود دارد که به شخصیت افراد می‌پردازد؛ همان عامل فرهنگی و درونی انسان‌ساز که در جامعه ما کمتر مورد توجه قانون‌گذار و کارشناسان علوم اجتماعی و انسانی قرار گرفته و می‌تواند مهم‌ترین تأثیر و کارایی را در زدودن قتل فرزند ایفا کند. آیه ۵ سوره جمعه: «وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را حمل می‌کند». امام هادی (ع): «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره: کسی که برای خودش شخصیت قائل نیست، از شر او ایمن مباش». دقت در آیه و روایت ارزشمند اخیر مفهومی است که در این مقاله قصد بیان آن را داریم. این آیه از بعد فرهنگی، دو نکته نهفته دارد. هرچند توجه به اهمیت فرهنگی و آموزشی فرزندکشی، جنبه سلبی درونی و انگیزشی دارد اما احکام اسلام در زمان تکوین و گسترش، اهمیت این ابعاد را بیشتر از قوانین مدون می‌دانست. امر به آموزش از اولین آیات قرآن است که به مردم و شخص رسول‌الله تأکید شد. انبیاء و بزرگان نیز سیره امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه خویش قرار دادند و بر آن شدند تا این روش و راهکار ملاطفت‌آمیز و زودبازده را در مقابل حل مشکلات، اساس کار خود قرار دهند و در صورت عدم حصول نتیجه، گزینه مجازات از جمله قصاص را در امور شخصی افراد جاری می‌نمودند. هدف، تأکید بر پررنگ نمودن نقش کار فرهنگی نسبت به مجازات از جمله قصاص با توسل به مدارک دقیق احکام اسلامی است.

۲-۱-۵- فقه و احادیث

الف- بیان قواعد فقهی مؤثر در فرزندکشی

در بررسی مفاهیم قواعد اصولی چون لاجرح و لاضرر، مسائلی وجود دارد که آشنایی با آن‌ها می‌تواند در جلوگیری از آسیب کمک‌کننده باشد. توجه به نکات ارزشمند این مباحث، دوری از ضرر و خطر را در پی دارد. این اطلاعات می‌تواند فرهنگ اجتماعی و حقوقی را در جامعه گسترش دهد (سامی، ۱۴۰۰: ۲).

کار فرهنگی نسبت به مجازات، زمان‌بر ولی ریشه‌دار و مطمئن‌تر است. همه اندیشمندان و بزرگان دین، تدبیر شایسته و بایسته در اصلاح معضلی چون فرزندکشی را افزایش شدت هزینه‌های ارتکاب این جرم برای پدر می‌دانند. البته این افزایش هزینه، نه با وضع قانون جدید یا حتی اصلاح آن که مقطعی خواهد بود بلکه با تفکیک زیرساخت‌های آموزشی جامعه به وقوع خواهد پیوست.

طبق قاعده لاضرر، نه کسی حق دارد به دیگری ضرر برساند و نه حکم ضرری در اسلام نهفته است. قاعده لاجرح نیز بیانگر اسقاط هر تکلیف دشوار و مشقت‌زاست. البته عرف هر جامعه، معیار تشخیص ضرر و حرج است (تورایی و شیرزادی، ۱۳۹۵: ۱۹۹). در قتل فرزند توسط پدر، صرف مجازات کافی نبوده، باید بر اساس قاعده فقهی لاضرر پیرسیم پدر چرا فرزندش را می‌کشد و حکم این ضرر در فقه چیست؟ البته بیماری روانی و ده‌ها مشکل دیگر عامل قتل است ولی راهکار فقهی، همان همکاری خیرین و نهادهای دولتی است تا به نحوی با توسل به راه‌هایی چون اخلاقیات و ترس

اخروی تا حد ممکن در کاهش جرم کوشا باشند. البته در قاعده لاجرح، اسقاط دشواری از دوش پدر نیز باید توسط بستگان پدر، نهادها و اشخاص مرتبط با او کشف شود و در حل این مشکلات دوشادوش پدر، امنیت بر فرزندان حاکم شود تا حالت خشونت رخ ننماید.

ب- بیان بزرگان و صاحب‌نظران اسلام در مورد عدم قصاص پدر در قتل فرزند

روایت معروف نبوی است: انت و مالک لابیك؛ فرزند و اموال او (فرزند) تعلق به پدر دارد. فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می‌کند: لایقاد والد بولده؛ قصاص نمی‌گردد پدر در قتل فرزندش (عمرانی و حاجی قربانی، ۱۳۹۷: ۸۲). این حکم اشاره به مسلمان یا کافر بودن پدر و پسر یا دختر بودن هم ندارد. صحیح‌ه ظریف از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کرده: اگر پدر صدمه‌ای به فرزند بزند، قصاص نمی‌شود، مگر دیه. ثبوت دیه مبنی بر توافق ولی دم و قاتل است. اینجا از بابت ارتکاب این قتل پدر کدام توافقی با خانواده نموده که فرزند را کشته و الان می‌خواهد دیه بپردازد و کار را مخومه جلوه دهد؟ قطعاً جواب منفی است. پس فلسفه قصاص در قوانین مندرج که بعداً مفصل تشریح خواهند شد، در این مورد ناسازگار با روح قصاص و یا عمل توافق خواهد بود. مالکیت پدر بر فرزند، مالکیت حقیقی نیست. این گفته نظر عده‌ای از فقهای اهل سنت است. پس همین سبب شبهه می‌شود و بر اساس قاعده وجود شبهه حدود از میان می‌رود و پدر قصاص نمی‌شود (قاعده درء).

قرآن کریم، برتری انسان‌ها را فقط در تقوی دانسته (۱۳؛ حجرات) و در فرازی فهمیدن و تفهیمیدن را یکسان نمی‌داند (۹؛ زمر). در ابتدای نزول قرآن، خواندن را بر پیامبر نازل کرد (اقرا باسم ربك ... ن والقلم). این اشارات بیانگر یک هدف است: انسان در سایه درك و شعور و صیقل روح با دانش‌اندوزی متناسب با روز و در جهت خدمت برتری خواهد داشت و گرنه هیچ فضیلتی بر دانش متصور نیست. پس پدران باید جهت رسیدن به این نیروی باطنی و چراغ هدایت تلاش کنند و جامعه بیمار، منحرف، اختلاس‌گر و فاسد هرگز به داد این پدر در فرزندکشی و دیگر جرائم کمک نخواهد کرد، تا زمانی که این خواست و تغییر را پدر و افراد برای آینده تدارك نبینند (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتوبوا ما بانفسهم، ۱۱؛ رعد). توجه به معنای آیه، زیباترین پند و راهکار انگیزشی در موارد بروز معضلات جوامع حاضر در تاریخ است. اگر ما اقشار مردم برای یک پوشش و تکاپوی فرهنگی نخواهیم و اراده نکنیم، چه تضمینی برای کاهش فرزندکشی در جامعه یا هدایت پدران بیمار به مراکز درمانی متصور خواهد شد؟ بی‌شک، قتل بزرگ‌ترین تخلف و گناه است. کدام آدم عاقل بار ارتکاب بزرگ‌ترین تخلف را با آگاهی به هزینه‌های شوم آن گردن می‌گیرد؟ و دنبال سلب حیات یک انسان می‌رود؟ مردم اگر شعور و درك اجتماعی‌شان با گذشت زمان متوازن رشد کند، تغییر اساسی را در درون خود با فعل خواستن صرف کرده‌اند. دورنمای چنین جوامعی نه شاهد احکام خشن و مشمئزکننده‌ای چون قصاص می‌شود و نه شاهد رویش قارچ‌وار و کرونایی آسیب‌های رنگارنگ چون فرزندکشی خواهد بود. همت، درك و ارتقاء علم و اهمیت به تعهد در کنار تخصص، داروی مردم یک جامعه و دلیل سلامت آن منطقه خواهد بود.

در مسئله عدم قصاص پدر در فرزندکشی، بین فقهای امامیه و فقهای اهل سنت (عامه) اتفاق نظر وجود دارد. اندک تفاوت نظر در این مسئله با علمای فقه مالکی است که معتقدند: اگر فرزند توسط پدر با قصد کشتن شکنجه شود و یا شکمش دریده شود و یا سرش بریده شود و از این قبیل حرکات زجرآور، قطعاً این پدر مستحق قصاص خواهد شد (قرطبی اندلسی، ۱۴۲۵: ۴۰۱؛ زحیلی، ۱۴۲۳: ۵۶). ابن منذر از فقهای شافعی نیز معتقد بر قصاص پدر است، به خاطر حکمت آیات قصاص (ابن منذر، ۱۴۲۵: ۶۷).

۲-۵- عرف

می‌گویند اگر خدا دردی داده، درمانش هم داده است. درمان درد فرزندکشی چیست؟ تمام کنش‌ها و واکنش‌های جهان امروز در واقع در یک دهکده کاملاً کوچک در انظار قضاوت عموم است. در عصر تکنولوژی برای استقرار یک نظام حقوقی پایدار راهی جز مراجعه به عرف نخواهد ماند (Krewani, 2014). برخلاف تفکرات جهان سنتی در باستان، اهمیت کودکان در جهان امروزی به‌عنوان تأثیرگذارترین نسل و سرمایه بالقوه هر جامعه است که باید تصمیم‌گیران در جایگاه قدرت، بیشترین دقت را در تأمین مسائل آن‌ها به کار گیرند. اگر درمان درد فرزندکشی با اعمال قانون رفع می‌شد، تا الان نباید به طریق افسارگسیخته رشد می‌نمود! عاقلانه آن است روش‌های نارس ارزیابی و علل شکست بازبینی گردد. اگر آمار ۲۱ نفره ثبت شده در ایران از سال ۹۴ به ۷۵ نفر در ۹۹ ارتقاء یافته (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰)، حتماً باید در همه روش‌های مقابله با این آسیب (قانونی و عرفی) بازبینی شود چراکه بازدارندگی این روش‌ها جواب نداده و یا همخوان با تحولات نوین نیست. به عبارت دیگر، راهکار ده سال قبل با پدیده‌های امروزی، هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمیت، تفاوت چشمگیر داشته است. در همه علوم نیز چنانچه فرصت تجدید و تمدید قوا و تغییر نگرش، اصلاح و بازبینی یا همان سازگاری لحاظ نشود، متحمل لطمات ناخوشایند و بقولی اطراد و انزوا خواهیم بود. در جهان خلقت نیز مدبر و محول جهان، روزانه و لحظه‌به‌لحظه تدبیر نو و نگرشی متفاوت از سلايق کهنه و دیرین بر انسان‌ها تجلی می‌نماید. پس نخبگان و متبحران آسیب‌شناسی در علوم اجتماعی در کنار مردم باید تدبیری نو در رویارویی با دشمن نوین با استناد به داده‌های موجود به کار گیرند تا در خنثی نمودن آن آسیب موفق باشند (سامی، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

این اطلاعات می‌تواند فرهنگ اجتماعی و حقوقی را در جامعه گسترش دهد. آنچه مردم را از شرکت در کارهای خلاف قانون باز می‌دارد، نبود برنامه‌های مفرح و شاد برای خانواده‌ها و جوانان بوده که سبب افسردگی‌ها و پریشانی‌ها خواهد شد. فرزندان از پدر، مادر، بستگان و محیط تأثیر می‌پذیرند. تأثیر برنامه‌های مفرح و تجدیدنظر در روند موجود از رسانه ملی و پناه آوردن به فضای مجازی و خود می‌تواند در ایجاد استرس در پدران از نظر روانشناسان اثرگذار باشد. بدین جهت امیدواریم بنا به عرف و فرهنگ قومیت‌های ایرانی که شادی و رنگارنگی در لباس و خوراک و مناطق آن موج می‌زند، تمدد اعصاب والدین مورد بازبینی و تجدیدنظر کلی قرار گیرد تا پدران و اعضاء خانواده به‌جای ماندن در خانه و بروز اصطکاک و مشاجره، اوقات خود را در این محیط شاد سپری نمایند و بدین طریق، فرصتی در کاهش آمار قتل در خانواده‌ها از بابت وقت‌گذرانی خارج از خانه رخ دهد.

امروزه، فضای مجازی و رسانه نقش قابل توجهی در جامعه از بابت اطلاع‌رسانی و رشد فرهنگی بازی می‌کند. امروزه، فرزندکشی در ایران شبیه همان شیوع ویروس کروناست و هرگز نخواهد توانست این فاجعه را از دید افکار و اذهان عمومی پنهان کند. همان‌طور که در مورد قتل فرزند (بابک خرم‌دین)، رسوایی این عمل شنیع با وجود اختفاً بالآخره توسط رسانه و فضای مجازی دامن والدین ایشان را گرفت. ارزش و زیبایی فضای مجازی علیرغم انتقاد یک عده، شفافیت و اطلاع‌رسانی سریع اخبار در کسری از ثانیه است. یکی از موارد کاهش جرم، مجازات سریع و اطلاع‌رسانی فوری برای اقدام به‌موقع است که به لطف گسترش تکنولوژی اینترنت و رسانه در مسئله قتل فرزندان، مردم در جریان قرار می‌گیرند که بار مسئولیت نهادهای مسئول در این امر را سبک‌تر و ارتکاب و لاپوشانی این حوادث را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین امر سبب افزایش هزینه ارتکاب جرم نسبت به انجام ندادن آن می‌شود. این همان بازدارندگی و نکته قوت رسانه و تکنولوژی عصر معاصر است که در سال‌های قبل چه انسان‌ها و کودکان مظلومی در نبود این تکنولوژی به قتل رسیده و نام و نشانی از آن‌ها نیست. والدین با اشک حسرت در این قضیه روبرو هستند. زمان گذشته به‌جای این تکنولوژی، شخصیت و نفوذ افراد عامل بازدارنده و مانع بود. پیامبر اسلام با بهره‌گیری از امر قرآنی و استعداد خود با زنده‌به‌گور کردن دختران اعراب جاهلی مبارزه نمود؛ هرچند وضع زمان پیامبر و اکنون و نگرش آن جوامع با هم از نظر

نگرش، روش کار و حتی زمان متفاوت است. در این مقایسه نباید یک مسئله مهم را از نظر دور داشت که شخصیت برجسته و جاذبه و دافعه پیامبر و امام علی و برداشت عمیق و شیوای آن‌ها در تفسیر احکام اسلام، بی‌شک بازدارندگی لازم را در آن زمان به دنبال داشته است (مطهری ۱۳۹۶: ۱۱۷). مردم تحت تأثیر این کاریزمای شخصیتی یا نفوذ فکری و معنویت این افراد خودبه‌خود از گرایش به منکرات، دخترکشی و زنده‌به‌گور کردن بازداشته می‌شدند. تا زمانی که در کشور ما برای کار فرهنگی ریشه‌دار از بابت مقابله با فرزندکشی و آسیب‌های نوین از این دست، بودجه لازم و هدفمند توأم با ارائه شفاف صرف این بودجه از سوی نهادهای متولی فرهنگ رخ ندهد، کار به سامان نخواهد شد.

۳-۵- قوانین

وجود قوانین متعدد عامل بازدارنده نبوده بلکه عناصر متعدد جرم است که بزه‌کار را بر این امور ترغیب می‌نماید. عدالت تنها در چارچوب آزادی خلاصه نمی‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۴۴). در نظام جمهوری اسلامی ایران، موارد متعددی در حمایت از حقوق و آزادی اساسی مردم وجود دارد. قانون اساسی به‌ویژه در فصل سوم خود، حقوق متعددی را برای شهروندان قائل شده که در این میان، تعرض به امنیت افراد، ممنوع و احترام به آزادی همگان لازم اعلام شده است. از آنجا که وظیفه قوه قضاییه، احیاء حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع است، تضمین حقوق مذکور بر عهده این نهاد است (عظیم پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۱). قوه قضاییه نقش مهم و وسیع‌تری را در تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های مردم ایفا می‌کند. دانش حقوق، توانایی کاملی در آگاهی مخاطبین جهت قرار نگرفتن در گرداب جهل را ندارد (مویدیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹). از این‌رو، به کمک علمی چون علوم اجتماعی، روانشناسی و احکام اسلام به دنبال آن است که خسارت‌های ناشی از غفلت و خلأ قانونی در این آسیب اجتماعی رو به رشد را به حداقل برساند. وقوع جرائم، دلایل متعددی دارد، از جمله فقر، جهل، نبود فرهنگ و غیره. این فشارهای موجود اگر آسیب‌شناسی نشود، اعدام، ۳۰ سال حبس و یا هر مجازات دیگر سبب کاهش فرزندکشی نمی‌شود. قانون‌گذار ایران، عدم قصاص پدر را در مواد ۳۰۱، ۳۰۶ و ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مجازات ده‌ساله جایگزین نموده است. سؤال اینجاست آیا این مجازات که رویه همه کشورهای اسلامی است، توانسته در کاهش مجازات فرزندکشی مؤثر واقع شود؟ آیا این ده سال حبس که احتمال تخفیف آن هم وجود دارد، مجدداً سبب ارتکاب این جرم توسط پدر نخواهد شد؟ افکار عمومی با این قانون در عصر حاضر چگونه کنار آمده‌اند؟ متأسفانه عدم تحول فقه و حقوق ایران و کشورهای اسلامی ملهم از قوانین شریعت با جهان مدرن و قوانین بین‌الملل به‌سان حکم ماشه‌ای است که با هرگونه لغزش اسلحه، شلیک گلوله را به دنبال خواهد داشت. با نگاهی به پرونده قتل‌های فرزندکشی در ده سال اخیر، با عنایت به خطا و غفلت قانون‌گذار بر آمار، گرفتن جان کودکان به دلایل بیماری روحی یا فقر و فشار اقتصادی توسط پدر افزوده خواهد شد. تجربه آشکار از فشار اقتصادی بر پدران قاتل را که مصداق تبعیض بین و ناروا و عامل مهم فرزندکشی جامعه ایران است، می‌توان «حقوق نجومی و دریافتی‌های زیاد یک عده مدیران و مقامات جامعه اسلامی ما و شیوه ریخت‌وپاش آقازاده‌ها از بیت‌المال» دانست که حساسیت افکار عمومی را در ایران برانگیخته و آستانه تحمل مردم به آخرین درجه خود از این روند رسیده است. انعکاس این شیوه زندگی اشرافی در فضای مجازی و رسانه‌ها در شرایطی که ۸۰ درصد مردم همچون کارمندان جزء، اساتید حق‌التدریس دانشگاه، کارگران آزاد و خانواده‌های محروم در تأمین معاش روزمره خود مشکل دارند و کتمان اولیه مسئولان از انتساب این وضع به آن‌ها، قطعاً سبب بروز ناملایمات و اعتراضات می‌شود. همین عوامل فشار اقتصادی مضاعف بر پدران شرمند از اهل‌وعیال، سبب واکنش‌های خطرناکی چون قتل فرزند می‌شود. آمار طلاق، خودکشی و ده‌ها آسیب اجتماعی دیگر بر اساس پرونده شخصیتی افراد و الگوی پدافند غیرعامل، این روش زندگی فسادبار فرزندان مقامات را نشانه گرفته است. این مقاله سعی دارد مهم‌ترین و پوشیده‌ترین فشار تحمیلی

بر پدران که کودک مظلوم و محروم، تقاص شرمندگی پدر در تأمین معاش را می‌پردازد، به گوش اهل بصیرت و دلسوز برساند. با این شیوه، فساد برخی مقامات و فرزندان آن‌ها نه تنها کنترل نشده بلکه روزه‌روز شاهد آسیب‌های جدید با هزینه‌های گزاف بر خانواده‌های این کشور خواهیم بود و گسست و فاصله بین خانواده‌ها و حاکمیت بیشتر خواهد شد. قانون جاری که ملهم از شریعت است، بنا به محدودیت و معذورات مذهبی در مورد والدین چون مالکیت پدر بر فرزند یا احترام پدر و مادر نمی‌تواند مجازات قصاص را برخلاف قتل‌های مرسوم در قانون حسب سفارش اسلام به‌درستی اجرا کند. پس به‌ناچار مجازات ده‌ساله را نه به خاطر قتل بلکه به خاطر هتک نظم عمومی و بیم‌تجری (گستاخی و رغبت دیگران در ارتکاب مجدد جرم) برای عبرت دیگران به اجرا درمی‌آورد. در حوزه قانون‌گذاری، نقش اربابی مجازات غیر از مجرم برای دیگران نیز می‌تواند بازدارنده باشد (برومند، ۱۳۹۲: ۸۲) و نیز از طریق بالا بردن هزینه ارتکاب جرم با مشورت صاحب‌نظران مطابق ماده ۴۱۰ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌توان اقدامی جامع و قاطع انجام داد.

در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده: جنایات عمدی بر جنین پس از حلول روح موجب قصاص نیست. ماده ۳۰۱ قانون اخیر بیان می‌دارد: قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا جد پدری مجنی علیه نباشد. در ماده ۶۱۲ همان قانون قید شده: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلاف در نظم و امنیت جامعه یا بیم‌تجری مرتکب یا دیگران گردد، به حبس از ۱۰-۳ سال محکوم می‌شود. در همه این قوانین اخیر، سبکی مجازات از همان قتل جنین بعد حلول روح تا کشتن او در سن طفولیت (تا ۱۸ سالگی) به دلایل فوق‌الذکر و نهایت ده سال زندان بدون حتی تعریف شرایط زندان (عمومی با اعمال شاقه یا عمومی با حالات مجازات جایگزین یا انفرادی)، نشان از دورنمای مجازات و تسامح مذهبی حاکم برای این موارد است. لذا شایسته است فلسفه وضع این حکم سبک و اندیشه حاکم در عدم شدت مجازات بر پدر در قتل فرزند بر اساس این عرف شرعی جا بیفتد و بستگان بزه‌دیده، افکار عمومی اصحاب رسانه از حساسیت و استثناء این امر آگاهی یابند و تبعات مسئله و بازتاب معذورات شرعی در قانون توسط مسئولان و اصحاب رسانه در سطح داخلی و خارجی انعکاس یابد تا پذیرش موضوع و کنار آمدن با آن تسهیل گردد. البته صرف این نگرش نباید سبب تجری این افراد و جرئت بر اقدام مکرر این پدیده شوم شود. بهتر است مقامات مسئول جهت مسدود نمودن سوءاستفاده پدران بزه‌کار در فرزندکشی، یک اقدام پیشرفته علمی به نام پرونده شخصیتی که در همه جوامع متمدنی از بدو شکل‌گیری هر فرد تا آخر عمرش همیشه در حال ثبت و ضبط است، ایجاد گردد. در پرونده‌های شخصیتی، تمامی موارد مثبت و منفی شخص ثبت شده و هیچ چیز از قلم نمی‌افتد (عباسی، ۱۳۹۹: ۵۳۳). این شیوه متقن و مطمئن در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران از سوی دادستان‌ها بر عهده مددکاران اجتماعی نهاده شده است که بازدارنده‌ترین شیوه در شناسایی هویت افراد بزه‌کار است و متناسب با جرم هر مجرم، مجازاتی ملهم از این پرونده بر اساس قانون صادر می‌شود. در مجازات فرزندکشی نیز مراکز قضایی و روانشناسان به‌راحتی قادر خواهند بود با اتکا بر پرونده‌های شخصیتی از اسرار نهانی پدران بزه‌کار و مشکلات آن‌ها آگاهی یابند، در جریان نکات مخفی و پوشیده رفتاری آن‌ها قرار گیرند و با دیدی باز نسبت به اصلاح مجرم و مجازات وی، حکمی جامع و منطبق با عدالت و منصفانه صادر نمایند.

۶- راهکار اجرای الگوی پدافند غیرعامل

پذیرش اختلاف و تنوع و تغییر در ساختارهای آموزشی و بالا بردن حس تعلق افراد جامعه به یکدیگر یک ابزار کارآمد است. در جوامع مدرن بایسته است ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی از سوی نهادهای آموزشی و ارتباطات جمعی در اختیار شهروندان قرار گیرد. این طرح نوین در هفت بند شکل گرفته که در صورت اجرای دقیق زیر نظر مسئولین، حکم شیب ملایم برای کاهش آسیب‌های اجتماعی جدید مثل فرزندکشی خواهد داشت.

الف- قالب ایده: در اجرای این ایده از سیستم پدافند غیرعامل الگوبرداری شده است.

ب- محل اجرای ایده: شامل همه جوامع درگیر در آسیب‌های اجتماعی است.

پ- نهادهای اساسی ایده: ملزومات ضروری و غیرنظامی ایده است؛ یعنی تربیت نیروی انسانی آموزش دیده. به دست آوردن همین نیروی انسانی آموزش دیده، خود هنری بزرگ و محور رقابت و شاخصه جوامع است. هر جامعه‌ای در تربیت نیروهای انسانی کارآزموده بهتر عمل کند، طبعاً با فراغ بال راحت‌تری با معضلاتی چون فرزندکشی و دیگر مخاطرات مخفی، تعامل و تقابل خواهد داشت (مصادق تجربه کشورها در مقابله با کرونا). البته سرشکن کردن این مسئولیت خطیر بر گردن همه افراد ماهر جامعه است (باید شرح وظایف همه افراد را در ریشه‌کنی این آسیب‌ها به دقت تبیین و نقش و جایگاه حساس آن‌ها را در سرکوب فرزندکشی متذکر شویم و در صورت قصور و اهمال، درصد سهم این افراد را نیز به خودشان ابلاغ و متناسب کم‌کاری مجازات برای آن‌ها در نظر بگیریم). البته هدف بیشتر بر تربیت است، نه تحکم چراکه وظیفه پدافند غیرعامل فرهنگی است تا قضایی.

ت- تبلیغات مناسب برای این ایده: ۱- در سطح شهر بروشورهایی حاکی از مرگ به علل ضرب و شتم کودکان در خانه و محل تردد از باب زنده نگه داشتن و بیان نهی از منکر در جامعه، ۲- فرهنگ‌سازی در فضای مجازی درباره این کودک‌آزاری، ۳- مذمت و نکوهش در قالب تدوین و درج در صفحات کتب درسی، ۴- بنا به قانون فرزندآوری، محاکم قضایی باید مجازات مناسب جهت پدران وضع کنند. با توجه به اهمیت و نقش فرزندان، افراد تحصیل کرده همکاری‌کننده با نهاد پدافند غیرعامل در هر شهر مطابق پرونده شخصیتی افراد و با در نظر گرفتن عرف آن منطقه، پیشنهاد اقدام بازدارنده برای محاکم قضایی ارائه نمایند، ۵- طرح ایجاد پلیس کودک با بهره‌گیری از روانشناسان، مددکاران اجتماعی و سایر نخبگان جهت شناسایی کودکان در معرض خطر و مشاوره جهت رفع معضل یا هدایت کودک به مراکز مطمئن، ۶- تشکیل اتاق حمایتی و ویژه در سطح شهر که هم‌سو با دادگستری و سازمان بهزیستی در مورد والدین خطرناک و اطفال در معرض خطر عمل نمایند. با مشاوره توسط این مراکز، تصمیم‌نهایی در صدور حکم اتخاذ گردد، ۷- تشکیل صندوق حمایت کودکان با تشخیص مقامات مسئول.

ث- بومی‌سازی ایده: این قسمت ایده، نتیجه کارآمدی آن است؛ یعنی درست اجرا شدن این بند بستگی به همان چالش‌ها دارد. هر مقدار بتوانیم سطح آموزشی و مهارتی منطقه را در مقابله با فرزندکشی از طریق جذب نیروهای ماهر و باتجربه توسط معتمدین، دانشگاهیان، فرهنگیان، هنرمندان و بسیج سایر امکانات مجاز ارتقاء بخشیم، به‌نوعی آگاهی و درک والدین و فرزندان و آستانه تحمل‌پذیری این دو قشر را بهبود بخشیم، الگوی پدافند غیرعامل مصمم‌تر و موفق‌تر خواهد بود و در تخصیص بودجه و حمایت مقامات ملی سهم بیشتری را می‌توان به این مناطق اختصاص داد؛ یعنی نوعی رقابت مثبت بین شهرها کلید می‌خورد، از بابت رسیدن به این افق‌های زندگی اجتماعی و استاندارد شدن در سطح ملی که از همه جهات حائز اهمیت خواهد بود، برای آن اقلیم و مردمانش مایه تفاخر و مباهات می‌شود و به شکل غیرمستقیم سبب سرازیر شدن سرمایه‌گذاران جهت اقامت در چنین شهرهای امن و بی‌حاشیه‌ای خواهد شد. این درجه از استاندارد از نظر متدهای اقتصادی و تجاری حائز اهمیت است. انتظار می‌رود طی هماهنگی با مراکز حاکمیتی محلی و ملی، راه‌های قانونی شدن این ایده جهت اهداف مشروع و خیرخواهانه ایده هموار گردد، سریع‌تر به آرمان‌های مندرج در این ایده دست یابیم و شاهد ریشه‌کنی این خطای بزرگ گردیم.

ح- مزیت طرح: حفظ حالت بازدارندگی با محوریت توجه به امنیت و نظم به‌عنوان اساسی‌ترین عنصر رشد و تعالی انسان‌ها و به‌ویژه فرزندان. کمک فکری به دولت (مراکز قضایی) برای کاهش پرونده‌های گشوده‌شده از این پدیده‌ها که همه ساله در بودجه، هزینه‌های سرسام‌آوری برای مقابله پیش‌بینی می‌شود.

ج- نقش مراکز دیگر در بحران: در این طرح، آسیب‌دیده‌های اجتماعی (والدین و افراد خانواده مقتول) باید جهت بازیابی زندگی عادی خود به‌جای حضور در مراکز محصور جهت گذران بی‌هدف زندگی از سوی نهادهایی چون سازمان زندان‌ها، مراکز ترک اعتیاد، خانواده‌ها، مشاوران و سازمان‌های فعال در سطح شهر به فراگیری و کسب مهارت در این ایده هدایت شوند.

نتیجه‌گیری

آمار رسمی ۷۵ نفر قتل فرزند در ایران توسط پدران تا انتهای سال ۱۳۹۹ ثبت شده است. علت تزايد آمار فرزندکشی در کشور ما چیست؟ چه راهکارهایی می‌تواند در افت یا کاهش این پدیده مطرح شود؟ برای پاسخ به این سؤالات، متغیرهایی انسانی چون سواد، تربیت، اختلالات روانی، فشارهای اقتصادی جامعه، آموزش فرزندان و ده‌ها مؤلفه مرتبط با مسئله مورد مذاقه قرار گرفت. مقاله حاضر روش توصیفی و تحلیلی را به‌منظور تبیین این موضوع استفاده نمود. با بررسی پژوهش‌ها و آثار قبلی مرتبط با معضل فرزندکشی، یافته‌ها حکایت از این دارد که اغلب، مجازات عدم قصاص را متناسب با این جرم نمی‌دانند و خواهان تعدیل حکم به قصاص در مورد پدران قاتل هستند. نگارنده، این مطلب را از باب اهمیت موضوع به‌عنوان یک آسیب نامأنوس در جهان مدرن امروزی که با افکار عمومی نیز این فعل سنخیتی ندارد، همچنین جهت آشنایی با مطالب حقوقی و ادای دین به قشر آسیب‌پذیر کودکان مطرح نموده است. موضوع عدم قصاص پدر در قانون مجازات اسلامی کشور (مواد ۳۰۱ و ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) تقریباً قابل تغییر نیست. این حکم در دیگر ممالک اسلامی نیز جاری است و سبقه فقهی دارد و امامیه و اهل سنت به غیر از فقه‌های مالکی که موافق قصاص پدرند، پدر را در ارتکاب فرزند مرتکب قصاص تشخیص نمی‌دهند. ادله مخالفان قصاص پدر که در اکثریت هستند، پشتوانه محکمی است از احادیثی چون لایقاده والده بولده، انت مالک لاییک و آیات قرآنی مؤکد در احترام پدر و مادر. علیرغم اصرار کثیری از افکار عمومی با دسترسی به فضای مجازی، رسانه، حمایت مردمی در داخل و خارج در تغییر حکم عدم قصاص، بعید و دور از ذهن تشخیص داده می‌شود. بنا بر استناد گروه موافق عدم قصاص (پدران قاتل) که هیئت مذهبی حاکم است و قوانین را منبعث از احکام الهی می‌دانند، این حکم نیز به تأسی از این استدلال، استثناء نبوده و امیدی نیست که با بودن هیئت حاکمه نسبت به تغییر این قبیل احکام متأثر از شرعیات دل‌خوش باشیم. بااین حال، راهکار مناسب برای مقابله با فرزندکشی در کشور ما در عرف وجود دارد؛ برخلاف سکون در راه‌حل قانونی برای مقابله با فرزندکشی، راهکار عرفی، بسیار سریع، مفیدتر و حتی کم‌هزینه نسبت به تغییر یا اصلاح قانون بوده و راحت‌تر نیز به هدف رهنمون می‌شویم. هدف ما، کاهش فرزندکشی و تقلیل آخرین آمار است. لذا برای نیل به این مهم، ابتدا یک الگوی آموزشی و فرهنگی طراحی شد، سپس چیش و گزینش راه‌ها، اشخاص و امکانات بایسته و مناسب جهت مقابله در این الگو جایگزین گردید. الگوی نوآورانه به نام پدافند غیرعامل نام‌گذاری شد. در این الگو، تکیه بر استفاده از نیروهای باتجربه و صاحب نفوذ برای آموزش و تأثیرگذاری بر والدین و فرزندان و آموزش‌های بازدارنده در تمامی مقاطع تحصیلی و هماهنگی با هنرمندان و فعالان است. عرصه محصولات سمعی و بصری با هدف ساختن برنامه‌هایی با محتوای مؤثر و بسیج تشکله‌ها جهت اعتراضات قانونی در فضای مجازی و سطح شهرها، مزیت ویژه و ایده متناسب هر منطقه بوده که پژوهش‌های قبلی از این کمبود در رنج بودند.

این مقاله بدون انحراف از مسیر و هدف اصلی سعی دارد یکی از مهم‌ترین و پوشیده‌ترین فشارهای تحمیلی بر پدران جامعه را که کودکان مظلوم و محرومشان تقاص آن را از بابت شرمندگی پدر در تأمین معاش پرداخت می‌کنند، به گوش اهل بصیرت و دلسوزان برساند. تا زمانی که با این شیوه فسادآمیز زندگی برخی مقامات و فرزندان آن‌ها به‌صورت اهمالی و سرسری برخورد شود، نه تنها فرزندکشی بلکه روزه‌روز مثل سویه‌های جدید کرونا، شاهد آسیب‌هایی جدید

با هزینه‌های گزاف بر خانواده‌های این کشور خواهیم بود که به دنبال آن؛ گسست و فاصله بین خانواده‌ها و حتی حاکمیت بیشتر خواهد شد.

همان‌طور که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضرورت‌ها سبب اجرای آزمایشی قوانین خواهد شد، امیدوارم این مقاله با کسب موفقیت در داوری بتواند مجال اجرایی شدن این الگو جهت کاهش فرزندکشی در همه مناطق کشور را به‌صورت آزمایشی احراز کند.

منابع

قرآن کریم.

ابن منذر، ابراهیم. (۱۴۲۵ ق). *الاشراف علی مذاهب اهل العلم*. بیروت: مکتبه الثقافه.

احمدی، نعمت. (۱۳۹۹). گناه دادگستری در ماجرای قتل رومینا زیاد است. *پایگاه خبری تحلیلی انصاف*، تاریخ دسترسی <https://www.isna.ir/news/99031810377>: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

برومند، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق مجازات در جرائم نظامی. *مجله کارآگاه*، ۶(۲۴)، ۷۵-۹۷.

تورایی، یوسف و شیرزادی، سمیرا. (۱۳۹۵). *رابطه قاعده نفی ضرر با قاعده نفی حرج*. تهران: نشر کنگره بین‌المللی جامع حقوق ایران.

ثمیری، محمد. (۱۳۹۷). شیوه مقابله قانون‌گذار کیفری با مبتلایان به اختلالات روانی خطرناک. *فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار*، ۲(۶)، ۳۸۷-۴۱۸.

خبرگزاری فارس. (۱۴۰۰). *آمار فرزندکشی در ایران و آمریکا چقدر است؟*. پایگاه خبرگزاری فارس، تاریخ دسترسی <https://www.farsnews.ir/news/14000303001053> از ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

زحیلی، وهبه. (۱۴۲۳). *الفقه المالکی المیسر*. الطبعة الثانیة، بیروت: دارالکلم الطیب.

زنگی‌آبادی، محمدرضا، اسحاقی آستانی، محمد و خادمی‌پور، رحیمه. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه بیماری‌های عصبی در موانع حضانت موضوع ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی. *مجله حقوق پزشکی*، ۱۳(۵۱)، ۶۵-۸۸.

سامی، محمدجواد. (۱۳۹۷). *حیات فکری اجتماعی حکیم ملاهادی سبزواری*. رساله دکتری تخصصی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.

سامی، محمدجواد. (۱۴۰۰). *تطبیق قاعده غرور*. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱(۲)، ۱-۱۰.

عباسی، محسن. (۱۳۹۹). نقش شخصیت بزهدار و روش برخورد تربیتی در خور با شخصیت مجرم از دیدگاه آموزه‌های اسلام. *فصلنامه بین‌المللی قانون یار*، ۴(۱۴)، ۵۱۳-۵۴۵.

عظیم‌پور، فاطمه، خسروی، حسن و جعفری، افشین. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی حمایت از کارگران در مشاغل سخت و زیان‌آور در حقوق کار ایران. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۱(۲)، ۹۴-۱۰۶.

عمرانی، سلمان و حاجی قربانی، حسین. (۱۳۹۷). مبانی فقهی عدم قصاص پدر در قانون مجازات اسلامی. *دو فصلنامه علمی تخصصی آموزه‌های حقوقی گواه*، ۴(۱)، ۶-۹۴.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.

قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰.

قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۱۵.

قرطبی اندلسی، محمد ابن احمد بن رشد. (۱۴۲۵). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*. بیروت: دارالفکر.

قنبرپور، سینا. (۱۴۰۰). کودکانی که قربانی می‌شوند؛ والدینی که فرزند می‌کشند. خبرآنلاین، تاریخ دسترسی ۱۴۰۰/۹/۲۱: <https://www.khabaronline.ir/photo/521846>
 قوی قلب، مهسا. (۱۴۰۰). فرزند کشی: شلیک به خانواده. روزنامه ایران، ۲۷ (۷۶۳۷)، ۱-۱۶.
 مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). جاذبه و دافعه علی (ع). چاپ دهم، تهران: انتشارات صدرا.
 مویدیان، امینه و شاحیدر، عبدالکریم. (۱۴۰۰). دموکراسی در حقوق بین‌الملل از منظر شکلی و ماهوی. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱ (۲)، ۳۵-۵۵.

Angela, K. (2014). *Mc Luhan's Global Village Today: Transatlantic Perspectives*. London: Routledge Published.

